

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۰۲/۲۳
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۰۷/۰۴

دست آوردهای روان‌شناختی
دانشگاه شهید چمران اهواز، پاییز و زمستان ۱۳۹۷
دوره‌ی چهارم، سال ۲۵، شماره‌ی ۲
ص: ۳۹-۵۴

بررسی تجربه زیسته شایستگی اجتماعی در دانش‌آموزان مقطع متوسطه (دوره اول)

پروانه ولوی *

احمد عبدالخانی **

سید جلال‌هاشمی ***

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تجربه زیسته دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه اول شهر شوش از شایستگی اجتماعی انجام شده است. این مطالعه از نوع کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی انجام شد. برای گزینش مشارکت‌کنندگان دارای اطلاعات غنی در پژوهش حاضر، از تشخیص پژوهشگر و اعلام آمادگی دانش‌آموزان و برای گردآوری اطلاعات از مصاحبه نیمه ساختمند استفاده شد و مصاحبه‌ها تا مرحله وقوع اشباع ادامه یافت، به همین رو حجم نمونه نهایی را ۲۰ مشارکت‌کننده تشکیل داد. سپس داده‌های حاصل از مصاحبه با استفاده از روش ون منن برای کشف معنای تجربیات دانش‌آموزان از شایستگی اجتماعی تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌های این مطالعه شامل ۲ مضمون اصلی و ۱۳ مضمون فرعی بود. مضمون اصلی اول خودآگاهی اجتماعی شامل ۵ مضمون فرعی هم‌دلی، هدایت دیگران، خدمت‌محوری، اثرگذاری بر دیگران، آگاهی سیاسی و اجتماعی و مضمون اصلی دوم مهارت اجتماعی شامل ۸ مضمون فرعی ارتباطات، توسعه پیوندها، رهبری، همکاری، قابلیت‌های گروهی، ایجاد تعهد، مدیریت تعارض و تحول‌گرایی بود. با توجه به یافته‌های این مطالعه به نظر می‌رسد که بهترین راه افزایش شایستگی اجتماعی ایجاد درک صحیح از شایستگی‌ها توسط والدین، اولیاء، مدرسه و مسئولین جامعه است. شایستگی‌های اجتماعی معیارهای مناسبی برای عملکرد افراد هستند و افراد را قادر می‌سازند وظایفی را که برعهده دارند با موفقیت انجام دهند.

کلید واژگان: پدیدارشناسی، تجربه زیسته، شایستگی اجتماعی

p.valavi@scu.ac.ir

* دانشیار، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

** دانشجوی کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

*** استادیار، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

مقدمه

امروزه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان به‌عنوان یک شاخص مهم برای ارزیابی نظام آموزشی مورد توجه قرار گرفته است (Ninot, Bilard & Delignières, 2005). بر این اساس پژوهش‌های بسیاری در زمینه عوامل درونی و بیرونی که در یادگیری دانش‌آموزان نقش دارند و به ویژه مطالعات مختلفی که برای یافتن رابطه بین انگیزه، باورها، تفکرات، محیط آموزشی و ... که باعث ارتقای پیشرفت و یافت تحصیلی می‌شود در حال انجام است. در همین راستا مطالعه عواملی که باعث ایجاد شناخت توانایی‌ها و مهارت‌های دانش‌آموزان به آن‌ها می‌شود توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود معطوف کرده است (Abedi Firoozjayi, 2011).

از عوامل مؤثر بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، نوع شناختی است که دانش‌آموز از خود به دست می‌آورد و می‌تواند نقش عمده‌ای در پیشرفت تحصیلی وی داشته باشد. خود پنداره فرد در موفقیت یا عدم موفقیت تحصیلی تأثیر قابل توجهی دارد. شایستگی فردی شامل ویژگی‌ها و خصوصیات است که سبب شده تا این افراد را نسبت به افراد دیگر ممتاز کند (Bahramian, 2013). McLagan (1989) شایستگی را عرصه دانش و مهارت می‌داند. وی اشاره می‌کند که افراد ممکن است دارای قابلیت‌هایی باشند که می‌تواند تمام اعمال و رفتار و ... آنها را در بر بگیرد. شخصی که از لحاظ شخصیتی برون‌گرا است و با دیگران به خوبی می‌تواند ارتباط برقرار نماید، علاوه بر شایستگی فردی از شایستگی اجتماعی بالایی نیز برخوردار است. قدرت تحمل بالای فرد در موقعیت‌های دشوار اجتماعی و مشارکت فعال او در ایجاد و حفظ روابط اجتماعی مؤثر، توانایی حل مسائل اجتماعی و سازگاری با شرایط مختلف با حفظ دلبستگی‌های شخصی و گروهی از جمله ویژگی‌های شخصیتی است که به شایستگی اجتماعی فرد کمک می‌کند. نقش خانواده نیز به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین نهادهای اجتماعی، حائز اهمیت است.

کودک باید در محیط خانواده، احساس آرامش و امنیت نماید و اطمینان داشته باشد که مورد محبت و اطمینان دیگران است، در این صورت روابط اجتماعی‌اش تقویت خواهد شد. اما اگر محیط خانوادگی کودک همراه با ترس و اضطراب باشد وی فردی کینه‌توز و بدبین خواهد شد و به طور قطع در ارتباطات اجتماعی خود دچار ضعف و یا شکست می‌شود. به علاوه نقش همسالان نیز در این رابطه نیز حائز اهمیت بوده زیرا کودکان بسیاری از مهارت‌های

اجتماعی را از طریق کنش متقابل با یکدیگر فرا می‌گیرند. آن‌ها یاد می‌گیرند که چه چیزی بدهند و چه چیزی بگیرند، در فعالیت‌های دسته جمعی شرکت کنند، از جنب و جوش دیگران لذت ببرند، احساسات دیگران را درک کنند، توانایی‌های خود را ارزیابی نمایند، اعتماد به نفس پیدا کنند. واکنش همسالان در مقابل رفتارهای کودک می‌تواند مثبت یا منفی باشد، اگر واکنش‌های اکثر همسالان و به طور مداوم در مقابل افکار و اعمال کودک منفی باشد، حس شایستگی و اعتماد به نفس آن‌ها پایین خواهد آمد و نخواهند توانست در موقعیت‌های اجتماعی به نحو کارآمدی رفتار نمایند. همچنین از دیگر عوامل مؤثر جو مدرسه و عوامل آموزشی است. به طور کلی جو مدرسه به چهار جنبه‌ی کلی محیط مدرسه اشاره دارد: یک محیط فیزیکی برای به وجود آوردن یادگیری مطلوب، یک محیط اجتماعی جهت ایجاد ارتباط و تعامل اعضا، یک محیط عاطفی برای ایجاد حس تعلق و عزت نفس و یک محیط تحصیلی برای تحقق خودِ تحصیلی (Veiskaramy, Ghadampoor, & Mottaghinia, 2016). دانش‌آموزان در مدرسه مهارت‌های تحصیلی، اجتماعی و رفتاری فرا می‌گیرند. همانندسازی دانش‌آموزان با شخصیت معلمان، هم‌جوشی و هم‌گوشی آنان با یکدیگر و گروه‌های گوناگون، نشانه‌ای از شکل‌گیری شخصیت اجتماعی دانش‌آموزان به حساب می‌آید. موفقیت و شکست دانش‌آموزان در مدرسه و نتایج عملکرد او در مدرسه از جمله عوامل مهمی است که در شکل‌گیری شایستگی اجتماعی او نقش دارد. زیرا دانش‌آموز، از واکنش اطرافیان نسبت به عملکرد خود، آگاه می‌شود و همین آگاهی خودپنداره او را شکل می‌دهد (Ahadi & Mohseni, 2005).

ادراک شایستگی یکی از مؤلفه‌های خودپنداره یا مفهوم خود است که به فرآیند آگاه شدن فرد از ویژگی‌های خویش و نوع روابط با دیگران، بازخورد نسبت به رویدادها، ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود اشاره دارد و بر حوزه‌های مختلف شناختی، جسمانی و اجتماعی متمرکز است (Ninot et al., 2005). Harter ادراک شایستگی را به‌عنوان محرکی چندبعدی که افراد را در حوزه‌های فیزیکی، اجتماعی و شناختی هدایت می‌کند، توصیف نمود که بر اساس این دیدگاه ادراک شایستگی لذت درونی که از موفقیت به دست می‌آید منجر به افزایش تلاش برای موفقیت می‌شود در حالی که عدم ادراک شایستگی و نارضایتی منجر به اضطراب و کاهش تلاش برای موفقیت می‌گردد (Redfield, 2008). شایستگی اجتماعی، بیانگر توانایی فرد در سازمان

دادن منابع فردی، محیطی و حفظ آن‌هاست (Ladd, 1999; Semrud-Clikeman, 2007). شایستگی اجتماعی توانایی پاسخ دادن به شیوه‌ای مناسب و انعطاف‌پذیر در شرایط اجتماعی و ارزیابی درست شخص از جایگاه اجتماعی است که بر اساس ادراک شخص از تعامل‌های اجتماعی در گذشته شکل گرفته است. شایستگی اجتماعی به توانایی‌های فرد برای ایجاد و حفظ روابط مؤثر و مثبت با خانواده و دیگران اشاره دارد و اساس آن مهارت‌های کلیدی مانند مهارت‌های خودتنظیمی، مهارت‌های شناخت اجتماعی و رفتارهای ارتباطی مثبت می‌باشد (Nowicki, 2003). همچنین Rodaky شایستگی اجتماعی را توانایی فرد برای تأمین نیازهای بین فردی رضایت‌بخش به روشی مؤثر و قابل قبول جامعه تعریف نموده است (Kochmanski, 2010). به نظر می‌رسد که شایستگی اجتماعی، در فرایند رشد متحول می‌شود و رفتارهای اجتماعی بزرگسال از فرایند اجتماعی شدن دوره کودکی ریشه می‌گیرد (Baniasadi & Bagheri, 2011). Felner, Lease and Philips (1990) نیز معتقدند که شایستگی اجتماعی شامل چهار بُعد مهارت‌های شناختی، مهارت‌های رفتاری، مهارت‌های هیجانی و مهارت‌های انگیزشی است. Harter برای شایستگی سه حوزه خاص و یک حوزه کلی شامل شایستگی شناختی، شایستگی اجتماعی، شایستگی جسمانی و خودارزشمندی کلی برای کودکان در نظر گرفته است. شایستگی شناختی نشان‌دهنده تصورات فرد از عملکرد تحصیلی است (Ghadampour & Sarmad, 2003).

(Deci and Ryan (2000) اولین بار نظریه ارزیابی شناختی انگیزش را مطرح نمودند. بر اساس این نظریه، انگیزش درونی به وسیله نیاز افراد به احساس خودمختاری^۱ و شایستگی ایجاد می‌شود. طبق نظریه ارزیابی شناختی، انگیزش درونی از طریق دو فرایند ادراک منبع علیت^۲ و ادراک شایستگی تغییر می‌یابد. زمانی که افراد دارای منبع علیت درونی هستند، خود را به‌عنوان عامل عمل در نظر گرفته و این امر به افزایش احساس خودمختاری و انگیزش درونی منجر می‌شود. اما زمانی که منبع علیت به صورت بیرونی ادراک شود، خود انجام عمل را نوعی تحمیل و اجبار تلقی کرده و در نتیجه احساس خودمختاری و انگیزش درونی کاهش می‌یابد. همچنین عواملی مانند بازخورد معلم انگیزش درونی فرد را در یک فعالیت معین تحت

1- self-determination
2- locus of causality

تأثیر قرار داده و در نتیجه ادراک شایستگی فرد در آن زمینه خاص تغییر پیدا می‌کند. عواملی که احساس شایستگی را در یک فعالیت معین ارتقاء می‌دهند انگیزش درونی خود را نیز بهبود می‌بخشند. برعکس، عواملی که احساس بی‌لیاقتی را در فرد تحریک می‌کنند انگیزش درونی را کاهش می‌دهند (Deci & Ryan, 2000). براساس نتایج به دست آمده از سایر پژوهش‌ها افراد اطلاعات مربوط به شایستگی را از طریق عوامل مانند خودارزشیابی (Vallerand, 1997)، بازخورد دیگران (Wigfield & Karpathian, 1991) و رقابت (Ninot & Maiano, 2001) به دست می‌آورند. طبق نظر (Stipek, Feiler, Daniels and Milburn, 1995) ادراکات مثبت در مورد شایستگی شناختی در حفظ انگیزش پیشرفت ضروری هستند. دانش‌آموزانی که خود را به صورت بسیار لایق ادراک می‌کنند، هدف‌های بالایی برای خود تنظیم می‌کنند و در هنگام مواجه شدن با مشکلات تحصیلی به اهداف خود متعهد باقی می‌مانند. در مقابل دانش‌آموزانی که خود را به‌عنوان نالایق ادراک می‌کنند، بیشتر تمایل دارند که مهارت‌های حل مسئله خود را تضعیف کنند و سطوح پایین ابتکار را در محیط مدرسه نشان می‌دهند. در ضمن این گونه نسبت به بازخوردهای منفی معلمانشان آسیب‌پذیرتر هستند.

در پژوهش (Welsh, Parke, Widaman and O'Neil, 2001) نتایج نشان داد که پیشرفت تحصیلی به طور مستقیم شایستگی اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و متقابلاً شایستگی اجتماعی به پیشرفت تحصیلی منجر می‌شود. (Spayde, 2005) در پژوهشی نشان داد که همبستگی مثبتی بین شایستگی اجتماعی و پیشرفت تحصیلی وجود دارد. همچنین (Oberle, Schonert-Reichl, Hertzman and Zumbo, 2014) در پژوهشی نشان دادند که شایستگی عاطفی - اجتماعی می‌تواند به‌عنوان یک عامل پیش‌بینی‌کننده مثبت از پیشرفت مهارت خواندن تنها در پسران مورد استفاده قرار گیرد و شایستگی عاطفی - اجتماعی گزارش شده توسط خود دانش‌آموز رابطه خاصی را با پیشرفت در ریاضی نشان نداد.

پژوهش حاضر به بررسی و تبیین تجربه زیسته دانش‌آموزان دوره متوسطه اول شهرستان شوش از شایستگی اجتماعی پرداخته است. برای درک چستی و چگونگی شایستگی اجتماعی از دانش‌آموزان خواسته شد تا تجربه‌های خود را در اختیار محقق قرار دهند. از آنجا که این تحقیق با استفاده از تحلیل بیانات دانش‌آموزان درباره‌ی تجربیات خود از شایستگی اجتماعی انجام شده است؛ لذا می‌تواند مربیان و مجریان آموزش و پرورش را در رسیدن به درکی کلی از

نحوه‌ی پرورش شایستگی اجتماعی در دانش‌آموزان یاری نماید. بنابراین مسئله اصلی پژوهش این بود که بر اساس روایت دانش‌آموزان مهم‌ترین تجربیات آن‌ها از شایستگی اجتماعی چیست؟ و دانش‌آموزان چگونه تجربه خود را درک، معنا، تفسیر و بازنمایی می‌کنند؟

روش

رویکرد و روش این تحقیق کیفی و پدیدارشناسانه است. هدف پدیدارشناسی توصیف پدیده‌های خاص، اشیاء و تجربیات زندگی به همان صورتی است که ظاهر می‌شوند (Streubert & Carpenter, 1999). در این مطالعه از پدیدارشناسی هرمنوتیک با تأکید بر دیدگاه و روش Van manen (1990) برای کشف تجربیات دانش‌آموزان از شایستگی اجتماعی استفاده شد. در رویکرد پدیدارشناسانه Van manen (1990) مطالعه تجربه زیسته و دستیابی به کنه آن از طریق توصیف و تبیین علمی، دقیق و شاعرانه و از یک چشم انداز خاص فراهم می‌آید. هدف پژوهشگرانی که پدیدارشناسی را به کار می‌گیرند ساختن یک توصیف (متن) زنده از کنش‌ها، رفتارها، نیات و تجربیات است، به گونه‌ای که ما در زیست جهان با آن‌ها برخورد می‌کنیم. محصول پژوهش پدیدارشناسانه بایستی ساده و سراسر باشد به گونه‌ای که خوانندگانی که پدیده را تجربه کرده‌اند، بتوانند واقعیت خود را با موضوعات شناسایی شده تحلیل کنند (Mosavi, Valavi, & Hashemi, 2016).

جامعه پژوهش شامل مدارس متوسطه پسرانه شهر شوش می‌شود که از بین آن‌ها ۳ مدرسه به شیوه تصادفی ساده انتخاب شدند. سپس از هر مدرسه یک کلاس متوسطه اول به صورت تصادفی گزینش گردید و در میان آنان پرسشنامه‌ها توزیع و پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها نمره و کفایت اجتماعی دانش‌آموزان محاسبه گردید و ۲۰ نفری که بالاترین نمره را کسب کرده بودند به صورت هدفمند برای مصاحبه انتخاب شدند. بنابراین، نمونه مشارکت‌کنندگان تحقیق شامل ۲۰ دانش‌آموز ۱۵-۱۳ سال است که در دوره اول متوسطه مشغول به تحصیل بودند.

ابزار پژوهش

در این پژوهش دو ابزار پرسشنامه و مصاحبه نیمه ساختارمند مورد استفاده قرار گرفت. برای انتخاب دانش‌آموزان جهت انجام مصاحبه، از پرسشنامه Felner et al. (1990) استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۴۷ سؤال است که بر اساس نظریه فلنر ساخته شده و چهار بُعد مهارت‌ها و

توانایی‌های شناختی (۳ سؤال)، مهارت‌های رفتاری (۳۴ سؤال)، کفایت‌های هیجانی (۳ سؤال)، آمایه‌های انگیزشی و انتظار (۷ سؤال) را می‌سنجد (Felner et al., 1990). چهارچوب مفهومی زیرساز کفایت اجتماعی که توسط Felner et al. (1990) مطرح شده است، به‌طور بالقوه مضامین مهمی برای سنجش دارد. به ویژه به نظر می‌رسد فهم مناسب کفایت اجتماعی مستلزم بررسی نیمرخ ظرفیت‌های کودک یا نوجوان در آمایه کاملی از حوزه‌های محوری است. پایایی و روایی پرسشنامه Felner et al. (1990) نیز توسط پژوهشگران مختلف تأیید شده است چنان‌که (2011) Kazemi, Momeni and Kiyamarathi در پژوهش خود ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی بازآزمایی این مقیاس به ترتیب ۰/۸۸ و ۰/۸۹ گزارش نمودند. در ایران نیز با استفاده از تحلیل عوامل چهار عامل فوق مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین روایی سازه مقیاس به‌وسیله‌ی تحلیل عاملی مورد بررسی قرار گرفت و مقدار KMO برابر ۰/۸۳ به دست آمد (Kazemi et al., 2011). همچنین (2011) Abolqasemi, Jamalooi, Narimani and Zahed در پژوهش خود ضریب پایایی بازآزمایی آن را در فاصله زمانی ۴ هفته ۰/۸۹ و روایی سازه‌ی این مقیاس به وسیله‌ی تحلیل عاملی ۰/۸۳ اعلام می‌کند که حاکی از روایی بیرونی بالای آزمون است. همچنین تمامی مقادیر همبستگی سؤالات با کل آزمون بالاتر از ۰/۵۰ گزارش شده است که بیانگر همبستگی بالای بین سؤالات با کل آزمون می‌باشد. (2011) Abolqasem et al. ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس را ۰/۸۹ گزارش نمودند. بعد از توزیع پرسشنامه در بین نمونه تحقیق ۲۰ نفر از دانش‌آموزان را که بیشترین امتیاز را از پرسشنامه کفایت اجتماعی فلنر کسب کرده بودند جهت مصاحبه نیمه ساختارمند انتخاب شدند. علت استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختارمند پیشگیری از القای ذهنیات پژوهشگر به شرکت‌کنندگان و جلوگیری از جهت‌دهی پژوهشگر به مصاحبه است. همچنین در آغاز تحقیق، محقق به تشریح اهداف و مراحل تحقیق برای مشارکت‌کنندگان پرداخت و از آن‌ها رضایت شرکت در پژوهش را اخذ نمود. مصاحبه‌ها در دفاتر مدارس انجام گرفت و مدت زمان مصاحبه از ۴۶ دقیقه تا ۶۵ دقیقه متغیر بود. این مصاحبه‌ها ضبط شده و تحلیل داده‌ها از همان مصاحبه اول و به موازات انجام مصاحبه‌ها انجام شد. سپس تمام اطلاعات به دقت خوانده شد تا احساس و درک از تجربیات دانش‌آموزان به دست آید، به گونه‌ای که قابل فهم برای محقق باشد. سپس تمام کلمات و جملاتی که در ارتباط با پدیده مورد نظر بود استخراج و کدگذاری شد. آنگاه با خواندن مجدد اطلاعات و

دسته‌بندی آن‌ها، مضامین به دست آمدند. در این مرحله سعی شد تا روابط بین مضامین و نیز توصیف جامعی از شایستگی اجتماعی به دست آید. در نهایت با مراجعه به شرکت‌کنندگان در مطالعه، از آنان در مورد یافته‌های پژوهش سؤال و نظر آنان پرسیده شد و میزان اعتبار نتایج ارزیابی شد. راه‌کارهایی که برای اعتباربخشی به نتایج استفاده شد شامل شنیدن و خواندن مکرر مصاحبه‌ها و استفاده از نظرات همکاران بود. همچنین از نظارت خارجی استفاده شد، بدین معنا که بخشی از داده‌ها به محقق‌هایی که ارتباطی با پژوهش نداشت و به منزله یک ناظر خارجی بود، داده شد تا مشخص شود که آیا او نیز درک مشابهی از داده‌ها دارد. در پایان این فرایند مضامین استخراج شده در دو مضمون اصلی و ۱۳ مضمون فرعی طبقه‌بندی شدند.

یافته‌ها

۲ مضمون اصلی و ۱۳ مضمون فرعی مشخص گردید که چستی و چگونگی تجربه دانش‌آموزان از شایستگی اجتماعی را نشان می‌دادند. هر یک از این موضوعات به همراه نقل قول یا نقل قول‌هایی از شرکت‌کنندگان ارائه می‌شود تا مبتنی بودن آن‌ها بر داده‌ها نشان داده شود:

مضمون اصلی ۱. آگاهی اجتماعی

اولین مضمون اصلی که از تجربیات دانش‌آموزان از شایستگی اجتماعی استخراج شد آگاهی اجتماعی بود. منظور دانش‌آموزان از آگاهی اجتماعی عبارت بود از آگاهی از احساسات، نیازها و علایق دیگران و درک آن‌ها است. بر این اساس ۵ مضمون فرعی مرتبط شناسایی شدند:

مضمون فرعی ۱-۱- هم‌دلی: اظهارات مصاحبه‌شوندگان حاکی از آن بود که هم‌دلی درک احساسات و اولویت‌ها و اهداف دیگران است. انسان طبعاً اجتماعی است و این بدان معناست که ما برای سلامت روحی و روانی مناسب به برقراری ارتباط با دیگران نیازمندیم.

دانش‌آموزان شماره‌های ۴، ۷، ۶، ۱۰ و ۱۳ در این باره می‌گویند: "ارتباط زیادی با دوستانم دارم بخصوص وقتی خسته‌ام و یا نگرانی درباره چیزی دارم سعی می‌کنم با دوستانم صحبت کنم و به عبارتی درددل کنم. بعد از آن احساس بهتری پیدا می‌کنم."

دانش‌آموزان شماره‌های ۱، ۵، ۱۳، ۱۶، ۱۹ و ۲۰ در این باره می‌گویند: "بهترین زمان زندگی ما زمانی است که در کنار خانواده، اقوام و دوستانم هستیم. به همین خاطر تفریحات گروهی و دسته جمعی را خیلی دوست دارم چون خیلی حالم را خوب می‌کند."

مضمون فرعی ۱-۲- هدایت دیگران: بنابر اظهارات مصاحبه‌شوندگان کمک به دیگران باعث می‌شود که انسان‌ها مهارت‌های جدید کسب کنند. اما چگونگی کمک کردن به دیگران برای رسیدن به اهداف ممکن است برای افراد مختلف متغیر باشد.

دانش‌آموزان شماره‌های ۴، ۷ و ۹ در این باره می‌گویند: "من دوست دارم که با دادن مشورت و راهنمایی‌های مناسب برای کمک به دیگران آن‌ها را هدایت کنم و از این کار لذت می‌برم". دانش‌آموزان شماره‌های ۱۱، ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸ در این باره می‌گویند: من دوست دارم که به همکلاسی‌هایم که از نظر درسی مشکل دارند کمک کنم و از این کار احساس لذت می‌کنم.

مضمون فرعی ۱-۳- خدمت به دیگران: بنابر اظهارات مصاحبه‌شوندگان خدمت یعنی تشخیص و تأمین نیازهای دیگران است.

دانش‌آموزان شماره‌های ۲، ۶، ۹، ۱۳ و ۲۰ اظهار داشتند "من سعی می‌کنم هر چه از دستم می‌آید برای کمک به دیگران فروگذاری نکنم و تا آنجا که می‌توانم به کسانی که هدفی دارند و می‌خواهند به آن برسند کمک کنم."

مضمون فرعی ۱-۴- اثرگذاری بر دیگران: اظهارات مصاحبه‌شوندگان حاکی از آن بود که با استفاده از شیوه‌های اثرگذار برای ترغیب دیگران می‌توان استفاده نمود.

دانش‌آموز شماره ۱۰ اظهار داشت "به دلیل اینکه در دروس و رفتارم همواره مورد توجه معلمان و دوستانم بودم می‌توانم با تشویق دیگران و دادن انرژی مثبت به آن‌ها در پیشرفت آنان موثر باشم". دانش‌آموز شماره ۱۴ اظهار داشت "با ارائه تجربیاتم و راهنمایی و مشورت به دیگران از آن‌ها حمایت می‌کنم".

مضمون فرعی ۱-۵- آگاهی سیاسی و اجتماعی: بر اساس اظهارات مصاحبه‌شوندگان شامل توانایی شناخت روابط و ابزار قدرت است.

دانش‌آموز شماره ۱۰ اظهار داشت "سیاست یعنی زیرکی و با کمترین آسیب و هزینه و مشکلات و مسائل را حل کردن، مسائل و روخدهای بین‌المللی برای من بیشترین جاذبه را در دنیای سیاست دارند".

دانش‌آموز شماره ۷ اظهار داشت "من سیاست را نوعی فعالیت اجتماعی می‌دانم که با تضمین نظم در نبردهایی که از گوناگون و ناهمگرایی عقیده‌ها ناشی می‌شود. برای من مسائل انتخابات و احزاب در کشور مهم و جذابیت دارند".

مضمون اصلی ۲. مهارت‌های اجتماعی

منظور شایستگی در ارائه واکنش‌های مطلوب در برابر دیگران است. که بر این اساس ۸ مضمون فرعی مرتبط شناسایی شدند:

مضمون فرعی ۱-۲- برقراری ارتباط با دیگران: اظهارات مصاحبه‌شوندگان حاکی از آن بود که یکی از بخش‌های مهم در ایجاد ارتباط با دیگران گوش دادن به سخنان دیگران است. گوش دادن از آن جهت مهم است که چگونگی دوستی‌ها، استمرار آن، پیوستگی ارتباطات خانوادگی به آن وابسته است. از طریق گوش دادن به سخنان دیگران به راحتی می‌توان افکار و احساسات خود را به او منتقل کرد و به ایجاد ارتباط با او اقدام نمود.

دانش‌آموزان شماره ۱، ۸ و ۱۲ اظهار داشتند: "برای این که بتوانم با کسی ارتباط برقرار کنم سعی می‌کنم باب صحبت را با او باز کنم و سخنان او را هم بشنوم همین امر باعث شده که دوستان خوبی پیدا کنم."

دانش‌آموزان شماره ۲، ۳، ۵ و ۶ اظهار داشتند "اگه توی به سخنرانی بشینم و احساس کنم که این سخنرانی می‌تواند برای من مفید باشد، با تمام تمرکز به سخنان او گوش می‌دهم چون تأثیر مثبتی در من ایجاد خواهد کرد."

مضمون فرعی ۲-۲- توسعه‌ی پیوندها: بنابر اظهارات مصاحبه‌شوندگان ارتباط با انسان‌های موفق می‌تواند در توسعه و رشد موفقیت فرد مؤثر باشد. بنابراین در هنگام تحصیل و زندگی با مشورت کردن با آن‌ها و الگو قرار دادن این افراد هم به توسعه ارتباط با آن‌ها نائل شد و هم زندگی بهتری داشت.

دانش‌آموزان شماره ۱۶ و ۲۰ اظهار داشتند: "سعی می‌کنم از کسانی مثل دانشمندان، متفکران و علما که دارای موفقیت‌هایی در زندگی هستند پیروی کنم و آن‌ها را سرمشق زندگی خودم قرار دهم."

دانش‌آموز شماره ۱۰ اظهار داشت "در صورتی که سخنان حق و سازنده، باشد گویندگان آن اشخاص دانا و عالم باشند، تأثیر بسیار بسزایی در زندگی من خواهند داشت، مانند سخنان پدر و مادر یا معلم."

مضمون فرعی ۲-۳- رهبری: اظهارات مصاحبه‌شوندگان حاکی از آن بود که رهبری و مدیریت خصلتی است که بر اساس آن می‌توان به هدایت و راهنمایی مردم پرداخت.

دانش‌آموز شماره ۸ اظهار داشت "من همیشه با تمام وجود برخی از دوستانم را در مسائل و مشکلاتشان راهنمایی می‌کنم البته به شرطی که بدونم به حرفم گوش می‌کنند و به آنچه توصیه می‌کنم، عمل کنند".

دانش‌آموز شماره ۱۱ اظهار داشت "متناسب سن و کار مورد نظر راهنمایی لازم را برای دوستانم انجام می‌دهم".

مضمون فرعی ۲-۴- همکاری: بنابر اظهارات مصاحبه‌شوندگان کار گروهی فرصت ایجاد نگرش‌های مثبت نسبت به مدرسه و علم را در ذهن‌های دانش‌آموزان به وجود می‌آورد و تعامل عاطفی را بین آن‌ها تقویت می‌کند. کار و بحث گروهی، دانش‌آموزان را با مشکلاتی که در بزرگسالی بر سر راه زندگی اجتماعی آن‌ها وجود دارد، آشنا می‌کند و راه مقابله و برطرف کردن مشکلات را به آنان می‌آموزد.

دانش‌آموز شماره ۱۲ اظهار داشت "در فعالیت‌هایی که به صورت گروهی است، هرکس باید وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهد".

دانش‌آموز ۱۴ اظهار داشت "سعی می‌کنم با افراد گروه خود رابطه صمیمی داشته باشم تا انجام کارها برای ما آسان‌تر شود".

دانش‌آموز شماره ۱۵ اظهار داشت "مسلماً با تمام توان عمل خواهم کرد و تجربه‌های خود را به کار خواهم برد".

مضمون فرعی ۲-۵- قابلیت‌های گروهی: بنابر اظهارات مصاحبه‌شوندگان فراهم کردن فرصتی است که در آن ایجاد هم‌افزایی در ترغیب اهداف جمعی صورت گیرد. دانش‌آموز شماره ۹ اظهار داشت "با دادن فرکانس‌های مثبت و دادن انرژی و انگیزه به گروه آن‌ها را ترغیب خواهم کرد".

دانش‌آموز شماره ۱۱ اظهار داشت "من با بزرگ جلوه دادن هدف، آنان را ترغیب می‌کنم".

مضمون فرعی ۲-۶- ایجاد تعهد: مصاحبه‌شوندگان اظهار داشتند که تعهد در واقع محرکی است که ما را به سمت اهدافمان حرکت می‌دهد. در این باره برخی از مصاحبه‌شوندگان از تعهد معانی گوناگونی مانند احترام به جایگاه دیگران، احساس مسئولیت نسبت به دیگران، احترام به ارزش‌های جامعه و.. را به‌عنوان تعهد تلقی کردند.

دانش‌آموزان شماره‌های ۱، ۷ و ۱۰ اظهار داشتند "تعهد یعنی این‌که جایگاه و شخصیت دیگران

را محترم بشماریم و وظایف و مسئولیتی را که بر عهده ما نهاده شده است را در هرجایی که هستیم، باید به خوبی انجام بدهیم".

دانش‌آموز شماره ۱۳ اظهار داشت "تعهد یعنی احساس مسئولیت نسبت به خانواده، احترام به ارزش‌های یک جامعه، تلاش برای پیشرفت جامعه است".

مضمون فرعی ۲-۷- مدیریت تعارض: بنابر اظهارات مصاحبه‌شوندگان فراهم کردن فرصتی که در آن دانش‌آموزان به گفت و گو کردن، حل و فصل تعارض‌ها بپردازند.

دانش‌آموز شماره ۸ و ۱۲ اظهار داشتند "سعی می‌کنم از طریق بحث و گفتگوی توأم با آرامش و به طور منطقی اختلافات خود را با دیگران حل کنم".

دانش‌آموز شماره ۱۸ و ۱۹ اظهار داشتند: "متناسب با موقعیت و جایگاه خودم سعی می‌کنم به حل اختلافاتم با دیگران بپردازم.

مضمون فرعی ۲-۸- تحول‌گرا: اظهارات مصاحبه‌شوندگان حاکی از آن بود که در جاهایی که نیاز به تغییر وجود دارد آغازکننده تغییر هستند.

دانش‌آموز ۱، ۷ و ۱۰ اظهار داشتند "در جاهایی که نیاز به تغییر وجود دارد سعی می‌کنم شروع کننده آن باشم. از تغییر هراسی ندارم و از آن استقبال می‌کنم".

دانش‌آموز شماره ۸ و ۱۲ اظهار داشتند: "همیشه بدنال راه‌های نو برای رسیدن به هدف و حل مشکلات هستم و پیروی از یک روش واحد را دوست ندارم."

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تجربه زیسته دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه اول شهر شوش از شایستگی اجتماعی انجام شده است. شایستگی اجتماعی مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و مهارت‌های اجتماعی است که افراد را قادر می‌سازد تا با لحاظ کردن هدف‌ها و نیازهای دیگران به هدف‌های خود دست یابند و نیازهای خویش را برآورده سازند. علاوه بر یافته‌های پژوهش که به آن‌ها اشاره شد، از دیگر نتایج این پژوهش می‌توان به بروز شایستگی اجتماعی در دانش‌آموزانی که در ارتباط با کارهایی که به نحوی از سوی والدین و همسالان مورد تشویق قرار می‌گیرند اشاره نمود. نوجوانان احساس شایستگی اجتماعی را از طریق موفقیت در درک تعاملات اجتماعی و رشد یک بینش درونی پرورش می‌دهند و خود

این فرآیند از این ناشی می‌شود که تا چه حد در گذشته در تعاملات و روابط اجتماعی موفق عمل کرده‌اند. همچنین افرادی که شایستگی اجتماعی را کسب نموده‌اند در ایجاد رابطه با دیگران و یادگیری در محیط آموزشی بسیار موفق‌تر از سایر افرادی هستند که چنین مهارت‌هایی را کسب نکرده‌اند.

به نظر می‌رسد بهترین راه جهت افزایش شایستگی اجتماعی در پسران نوجوان، افزایش اعتماد به نفس و خودآگاهی آنان می‌باشد. حس اعتماد به نفس بالا منجر به اتخاذ روش‌هایی جهت بهبود روابط اجتماعی می‌گردد. نوجوانان می‌توانند از طریق مهارت‌های اجتماعی به داشتن ارتباط مثبت با دیگران و پذیرش توسط آن‌ها خوشبین باشند. مهارت‌های اجتماعی رفتارهایی آموختنی هستند که بر روابط میان افراد تأثیر می‌گذارد که از طریق تعامل با والدین، خواهران و برادران، بستگان و همسالان کسب می‌گردند. باورهای شایستگی اجتماعی نقش مهمی در خودگردانی، تأثیر بر رویدادها و شرایط اجتماعی دارد. به عبارت دیگر احساس شایستگی اجتماعی بالا در موقعیت‌های تهدیدکننده ممکن است باعث ایجاد آگاهی از روابط اجتماعی مثبت گردد که در فرد احساس رضایت ایجاد می‌کند و او را قادر به کنترل تجارب استرس‌زا می‌کند.

کمک به دانش‌آموزان در رسیدن به اهدافشان از طریق راهبردهای کنترلی مناسب سبب شده تا بتوانند نسبت به توانایی خود دید مثبتی داشته باشند که این امر موجب شده تا نسبت به کارها و وظایف خود قبول مسئولیت نمایند و نتایج کارهای خود را به توانایی‌های خودشان ربط دهند و با هر دفعه موفق شدن در کارها منتظر موفقیت دیگری باشند. بر این اساس، مربیان و والدین می‌توانند با ایجاد راهبردهای کنترلی مناسب برای دانش‌آموزان در رسیدن به اهدافشان هم باعث افزایش عملکرد دانش‌آموزان شوند و هم موجب سلامت روانی افراد گردند.

در نهایت سه عامل خانواده، مدرسه و محیط می‌تواند بر شایستگی اجتماعی نوجوانان مؤثر باشد. با توجه به این‌که درک حمایت اجتماعی تأثیر بالقوه‌ای بر کیفیت روابط اجتماعی و مقابله با تنش‌های ناشی از حضور در اجتماع دارد و منجر به افزایش آن دسته از فعالیت‌هایی می‌شود که به برقراری روابط اجتماعی مطلوب کمک می‌کند. بدیهی است دانش‌آموزانی که حمایت بالایی از سوی والدین، دوستان و سایر افراد مهم زندگی دریافت می‌کنند، از شایستگی

اجتماعی بالاتری برخوردار می‌گردند. بنابراین حمایت خانواده، دوستان و مسئولین مدارس و همچنین عوامل فرهنگی می‌تواند عامل ارتقاء شایستگی اجتماعی در پسران نوجوان گردد.

تشکر و قدرانی

این پژوهش در مدارس متوسطه پسرانه شهر شوش انجام شده است. بنابراین، از کلیه دانش‌آموزانی که در مصاحبه شرکت کردند و با شکیبایی به سؤالات پاسخ دادند، قدردانی می‌شود.

References

- Abedi Firoozjayi, R. (2011). *Comparison of self-concept and perceptual perception of pre-university students in different educational fields of Babol*. M.A. Dissertation, Al-Zahra University, Tehran, Iran. [Persian]
- Abolqasemi, A., Jamalooi, H. R., Narimani, M., & Zahed, A. (2011). Comparison of social competence and its components in students with learning disabilities and students with low, moderate and high academic achievement. *Quarterly Journal of Learning Disabilities*, 1(3), 71-55. [Persian]
- Ahadi, H., & Mohseni, N. (2005). *Growth Psychology: Fundamental Concepts in Teen Psychology*. Tehran: Pardis Publishing. [Persian]
- Bahramian, SH. (2013). *Comparison of social compatibility, emotional intelligence and social competence of elementary students with and without learning disabilities in Ahvaz city*. Master's Degree in Educational Psychology. Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz. [Persian]
- Baniasadi, H., & Bagheri M. (2011). Non-verbal communication and social competence. *Journal of Thought and Behavior*, 5(20), 24-36. [Persian]
- Deci, E., & Ryan, R. (2000). The “What” and “Why” of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*, 11 (4), 227-268.
- Felner R. D., & Lease, A. M., & Philips, R. C. (1990). Social competence and the language of adequacy as a subject matter for psychology: A Quadripartite Triebel Framework. In T. P. Gullotta, G. R. Adams, & R. Montemayor (Eds), *The deveopment of social competence* (254-264). Beverly Hills, CA: Sage.
- Ghadampour, E., & Sarmad, Z. (2003). The role of motivational beliefs in teaching and teaching achievement in students. *Journal of Psychology*, 7 (2), 126-112. [Persian]

- Kazemi, R., Momeni, S., & Kiyamarati, A. (2011). Effectiveness of life skills training on social competence of students with mental disorders. *Quarterly Journal of Learning Disabilities*, 1(1), 108-94. [Persian]
- Kochmanski, A. J. (2010). Learning disabilities and communication deficit compensating for social incompetence. *Journal of LD and Social Competence*, 5, 1-15.
- McLagan, P. A. (1989). *Models for HRD practice: The models*. Washington, DC: American Society for Training and Development.
- Ladd, G. W. (1999). Peer relationships and social competence during early and middle childhood. *Annual Review Psychology*, 50, 333-359.
- Mosavi, A., Valavi, P., & Hashemi, S. J. (2016). Study the experience of elementary school teachers from the duties of the teacher as the philosopher-teacher. *Journal of Educational Sciences*, 23(2), 56-35. [Persian]
- Ninot, G., Bilard, J., & Delignieres, D. (2005). Effects of integrated or segregated sport participation on the physical self for adolescents with intellectual disabilities. *Journal of Intellectual Disability Research*, 49 (9), 682-689.
- Ninot, G., & Maiano, C. (2007). Long-term effects of athletics meet on the perceived competence of individuals with intellectual disabilities. *Research in Developmental Disabilities*, 28, 176-186.
- Nowicki, E. A. (2003). A Meta-analysis of the social competence of children with learning disabilities compared to classmates of low and average to high achievement. *Learning Disability Quarterly*, 26 (3), 171-188.
- Oberle, E., Schonert-Reichl, K. A., Hertzman, C., & Zumbo B. (2014). Social-emotional competencies make the grade: Predicting academic success in early adolescence. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 35 (3), 138-147.
- Redfield, J. L. (2008). *The influence of an educational coaching model on children's perceived competence and self-esteem*. Doctoral Dissertation. Capella University, Minneapolis, Minnesota.
- Semrud-Clikeman, M. (2007). *Social competence in children*. New York: Springer US.
- Spayde, K. M. (2005). *Social competence and academic achievement in at-risk elementary school students, outcomes from an after-school program*. (Master's Dissertation Educational Psychology). Miami University, Oxford, Ohio.
- Stipek, D. J., Feiler, R., Daniels, D., & Milburn, S. (1995). Effects of different instructional approaches on young children is achievement and motivation. *Child Development*, 66 (1), 209-223.
- Streubert, H., & Carpenter, D. (1999). *Qualitative research in nursing: Advancing the humanistic perspective* (2nd ed.). Philadelphia, PA: Lippincott Williams & Wilkins.

- Vallerand, R. J. (1997). Toward a hierarchical model of intrinsic and extrinsic motivation. *Advances in Experimental Social Psychology*, 29, 271-360.
- Van Manen, M. (1990). *Researching lived experience: Human science for an action sensitive pedagogy*. Albany: State University of New York Press.
- Welsh, M., Parke, R. D., Widaman, K., & O'Neil, R. (2001). Linkages between children's social and academic competence: A longitudinal analysis. *Journal of School Psychology*, 39 (6), 463-482.
- Wigfield, A., & Karpathian, M. (1991). Who am I and what can I do? Children's self-concepts and motivation in achievement situations. *Educational Psychologist*, 26 (3-4), 233-261.
- Veiskaramy, H., Ghadampoor, E., & Mottaghinia, M. R. (2016). Structural equation modeling of the relationship between school climate and collective efficacy with personal efficacy of teachers of primary schools. *Journal of Psychological Achievements*, 23 (1), 95-114. [Persian]

